

پرستارها در میان جنگ و اشغالگری، سرنوشت متفاوتی دارند

یک خون و یک سرنوشت



اسماء خواجه‌زاده
.....
نویسنده‌ای که
پیش از ۲۰ کتاب دارد
اما به همه چیز
الکل می‌زند

پرستاری احتمالاً باید یک صندلی باشد. صندلی‌ای که آن را گذاشته‌اند وسط مرگ و زندگی‌ا و قرار است یک چیزهایی را عوض کند. یک چیزهایی که البته مهم‌ترین دارایی آدم هم جزء آن است؛ جانش. صندلی‌ای که خودش همه‌جاى دنیا یک رنگ است اما صاحبانش نه. یعنی وارد کنه قصه‌که می‌شویم می‌بینیم پرستار داریم تا پرستار. همان‌طور که صندلی داریم تا صندلی.

قصه از اینجا شروع شد که دیدم یک پرستار فلسطینی واکسن به دست گرفته و یک مقام اسرائیلی هم با خنده پهنی رو به دوربین‌ها نشسته تا آن پرستار واکسنش را بزند. اما وقتی دنبال

نمونه‌های آن گشتم به جایش تا دلت بخواهد قصه پرستارهایی بود که خون بر لباس‌های سفیدشان نشسته است. در همین حوالی ما؛ جایی به اسم فلسطین. صندلی سرخ، آن دخترک بیست و یک ساله‌ای بود که برای کمک به مجروحان راهپیمایی بازگشت رفته بود. همین دو سه سال پیش بود، یکی زخمی شد، او دست‌هایش را بالا گرفت تا به نیروهای اشغالگر نشان دهد سلاح ندارد، تک‌تیرانداز اسرائیلی اما با خونسردی تمام سینه‌اش را هدف گرفت و یک سوراخ کوچک رو سینه او و یک سوراخ بزرگ روی سینه انسانیت باز کرد. سفیدپوشی بر زمین می‌افتد. پرستاری شهید می‌شود و مردم در تشییع جنازه او فریاد می‌زنند: «از غزه تا حیفا، یک خون و یک سرنوشت»

این قصه دختر پرستار فلسطینی است؛ دختری که می‌گفت:

۳۸ درصد پرستاران نیاز به خدمات روانشناختی دارند

معاون پرستاری وزارت بهداشت با تاکید بر ضرورت فعال شدن گروه‌های مددکاری و روانشناختی برای همه کارکنان نظام سلامت گفت: ۳۸ درصد جامعه پرستاری نیازمند خدمات روانشناختی هستند. عباس عبادی با اشاره به گسترش پاندمی کووید - ۱۹ از سال ۲۰۱۹ عنوان کرد: پاندمی کووید. ۱۹ علاوه بر پیامدهایی که به عنوان یک بیماری عفونی داشت، بسیاری از معادلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در جهان تغییر داد و بسیاری از تعاریفی که در جغرافیا و سلامت قبل از آن متصور بود یا یک موضوع علمی در مجامع مختلف شناخته می‌شد، دستخوش تغییر شد. تحقیقات مختلفی در حوزه کووید - ۱۹ علاوه بر درمان و مراقبت انجام شده و آخرین مطالعه مربوط به تابستان سال گذشته است. از این میان ۳۶ مطالعه در بخش‌های مختلف جهان از نظر تأثیر کووید بر سلامت روان مورد بررسی قرار گرفته است.

«من از خاکم بیرون نمی‌روم و حقم را با دست خودم پس می‌گیرم. از گلوله نمی‌ترسم و هر قدر هم در خطر باشم با تمام قوا مجروحان را نجات خواهم داد تا برگردند و از سرزمین مان دفاع کنند». افتخار می‌کنم در راه دفاع از وطن شهید شوم،» و حالا او به خودش افتخار می‌کند که هم پرستار است و هم شهید. پرستاری اصلا در سرزمین‌های اشغالی این‌طوری است که مادر تورا بدرقه می‌کند تا عصر برای افطار برگردی اما جنازه‌ات را هنگام اذان به او تحویل می‌دهند. اما مادر به جای ناله از شجاعت دخترش می‌گوید که برای صلح، عدالت و آزادی، زیر باران گلوله جان مردم را نجات می‌داد. دختری که برای تهیه وسایل پزشکی موردنیازش تلفن و انگشت‌ترش را فروخت.

انگار بعضی جاها پرستاری پرستاری تر است! بعضی جاها پرستاری، پرستاری خالی نیست. عضویت فعالانه در مقاومت است. در کنار فعالان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران و جوانانی که روح فلسطین در آنها تجلی پیدا می‌کند. بعضی وقت‌ها پرستاری یک حسرت است، مثل آن صندلی خاکستری، همان پرستاری که در بیت‌المقدس و دیوار به دیوار مسجدالاقصی زندگی می‌کند و می‌گوید تمام این سال‌ها شاهد

نگاهی به آثار تلویزیونی که پرستاران، نقش مؤثری در آن داشتند

قصه پرغصه پرستاری

شروط اول موفقیت یک اثر ادبی، جذابیت و سرگرم‌سازی است. بعد از این مرحله ما به دنبال جهان‌بینی، آموزش و هدف آن اثر می‌رویم. وقتی اثری هدف اولیه را که جذابیت و سرگرمی است رعایت کرده، می‌تواند مخاطب را به دنبال خود بکشانند. تا به امروز آثاری از تلویزیون پخش شده که در بخشی از قصه، به زندگی حرفه‌ای پرستاران و مسائلی که در زندگی شخصی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، پرداخته است. در این آثار سعی شده به قشری پیرا زند که زحمت بسیاری می‌کشند اما کمتر دیده می‌شوند، در واقع سازندگان آثار نمایشی تلاش کردند در قالب قصه دراماتیک مردم هم فرهنگ درمان را بدانند و هم این‌که به بینندگان آگاهی داده شود تا بدانند در بیمارستان‌ها چه اتفاقاتی می‌افتد. همچنین این شب‌ها سریال «موج اول» از شبکه سه پخش می‌شود که بخشی از این سریال هم روایتگر زندگی پرستاران در روزهایی است که تازه ویروس منحوس کرونا وارد ایران شده بود. این اثر روایتگر مشکلات پرستاران است که چطور تلاش می‌کنند جان بیماران را نجات بدهند. البته در دنیا چندین سریال تا به امروز درباره پرستاران ساخته و دوبله شده که اگر قرار باشد شهرت‌ترین این آثار را نام ببریم، حتما سریال «پرستاران» خواهد بود که نسخه استرالیایی آن از شبکه تلویزیونی ما پخش شده است. در این گزارش نگاهی انداخته‌ایم به برخی سریال‌هایی که محوریت بخشی از قصه آنها، زندگی حرفه‌ای و شخصی پرستاران بوده که از شبکه‌های سیمای پخش شده‌است.



فاطمه عودباشی
.....
روزنامه‌نگاری که
تا الان از کرونا
گریخته است

شغل، بهانه‌ای برای زندگی خانوادگی

سریال: پرستاران
شخصیت: پاک‌نهاد، سمیه
کارگردان: علیرضا افخمی، محمودرضا تخشید و شهرام شاه‌حسینی
اورژانس یعنی سینما، به دلیل این‌که اتفاقات بسیاری خارج از حالت عادی رخ می‌دهد و زمانی که یک فیلمساز به بیمارستان برای فیلمبرداری می‌رود، انگار طراحی صحنه برایش آماده است و جذابیت بصری وجود دارد. تمام کسانی که در اورژانس هستند از بیماران تا کادر بیمارستان با خود یک درام دارند. کادر پرستاری در این سریال دیالوگ مناسبی داشتند. در واقعیت، زمانی که به بیمارستان‌ها می‌رویم کادر پرستاری و پزشکی به شکلی صحبت می‌کنند که بیمار متوجه بیماری که دارد، نشود. در این سریال نیز از این شیوه استفاده شده بود. در سریال پرستاران، عاطفه رضوی نقش شخصیت پاک‌نهاد یک سوپروایزر جدی را به عهده داشت که از خطای هیچ پرستاری نمی‌گذشت. لیندا کیانی هم نقش پرستاری به نام سمیه را داشته که تلاش می‌کرد با مهربانی با بیماران صحبت کند. این مجموعه تلویزیونی که سال ۹۵ روی آنتن رفت، زندگی چند پرستار را نمایش داد که در یک اورژانس فعالیت می‌کنند. البته در این سریال پرستاری، شغلی بود تا بهانه‌ای باشد به زندگی خانوادگی آنها پرداخت شود.



پرستاری از دل جنگ

سریال: سفر به جزایه
شخصیت: مریم قندی
کارگردان: زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور
سفر به جزایه عنوان مجموعه‌ای بود بر اساس دو فیلم سفر به جزایه و نجات یافتگان سریال، داستان گروهی گردشگر بود که به مناطق جنگی می‌روند و هر یک از آنها از زمان جنگ داستانی در ذهن دارند. در این مجموعه، که ادامه فیلم سینمایی با همین نام است، نامه‌ای برای وحید، کارگردان فیلم‌های جنگی، مریم امدادگر روزهای جنگ، فؤاد نویسنده رمان‌های جنگی، جواد جانباز روش‌نلد و دیگران ارسال می‌شود که آنها را به بازدید از مناطق جنگی دعوت می‌کنند. در این سریال عاطفه رضوی نقش پرستاری به نام مریم قندی را بازی می‌کرد که تلاش می‌کرد تا جان بقیه را نجات بدهد. نقشی که رضوی در این سریال داشت با نقشش در سریال پرستاران که آنجا هم نقش پرستار را به عهده داشت، متفاوت بود.



یک سوپروایزر دلسوز



سریال: موج اول

شخصیت: آفاق

کارگردان: امیرسجاد حسینی

این سریال تلویزیونی که هم اکنون روی آنتن تلویزیون است از روزهای اولی روایت می‌کند که ویروس نامنحوس کرونا وارد ایران شد که نه‌تنها مردم، حتی خیلی از پزشکان و پرستاران هم از این ماجرا بی‌اطلاع بودند و یک‌دفعه شاهد تعدادی بیمار بی‌حال بوده که روانه بیمارستان می‌شوند. موج اول تصویرگر حماسه کادر درمان و نیروهای جهادی است که با زحمات‌شان تلاش می‌کنند تا جان بیماران را نجات بدهند. یکی از شخصیت‌های اصلی سریال، سوپروایزر مهربان و دلسوز است که تلاش می‌کند جان مردم را نجات بدهد. با این‌که او در آستانه بازنشستگی قرار دارد اما وقتی با تعدادی بیمار کرونا بی‌رو به‌رو می‌شود تلاش می‌کند شرایط بیمارستان را برای پذیرش بیماران فراهم کند ولی او با مشکلات جدی رو به روست. این نقش را فریبا متخصص بازی می‌کند که در کنار دیگر بازیگران این سریال که نقش پرستاران را به‌عهده دارند روایتگر سختی‌های پرستاران در بیمارستان است که جان‌شان را کف دست‌شان می‌گذارند تا بتوانند جان مردم را نجات بدهند.

سرپرستاری به نام خانم کرامتی



سریال: زمین انسان‌ها

شخصیت: خانم کرامتی

کارگردان: ابوالحسن داوودی

داستان این سریال در یک بیمارستان می‌گذرد که در آن چند پزشک در حال گذراندن دوره هستند تا تخصص خود را در رشته مغز و اعصاب بگیرند. داوودی در این سریال فقط به زندگی پزشکان پرداخت و بخشی از قصه زمین انسان‌ها روایتگر قصه پرستاران بیمارستان بود. افسانه ناصری نقش سرپرستار بیمارستان به نام خانم کرامتی را بازی می‌کرد که هم مهربان بود و هم رفتارش با دیگر پرستاران همچون مادر بود. ناصری در همان مقطع زمانی که سریال پخش می‌شد، تاکید کرده بود با نقش‌هایش کلنجار می‌رود تا آنها را مال خودش کند و وقتی قرار شد نقش سرپرستار را بازی کند کلی درباره این شش‌زحمتکش تحقیق کرده‌بود.



حمله اشغالگران به نمازگزاران مسجدالاقصی بوده و شاهد بود که چطور اشغالگران نمی‌گذاشته‌اند مجروحان را از مسجد بیرون ببرند، با خونسردی می‌ایستاده‌اند و به خونریزی مجروح نگاه می‌کنند تا جان از بدنش خارج شود. یا زنی را که به بهانه این‌که چاقو دارد مورد اصابت قرار می‌دهند و بالای سرش می‌ایستند و آنقدر می‌خندند تا زن با آن رنگ پریده‌اش روح از بدنش جدا می‌شود. زهره می‌گوید: «هیچ وقت این صحنه‌ها را فراموش نمی‌کنم، من پرستار بودم و دستم به کمک کردن به آن زن و آن مردانه‌رسید.»

بعضی جاها پرستاری اما سبز است، به رنگ جوانه زدن، مثل آل که هر روز از دیوارهای آسمان بالا می‌رود، رویه‌روی چشم سربازان تا دندان مسلح از تپه‌ها صعود می‌کند، دست‌هایش را بالا می‌گیرد تا به آنها نشان بدهد فقط آمده‌است جان انسانی را که گلوله خورده یا دچار خفگی با گاز شده، نجات دهد و او را از دهان کف آلود مرگ برگرداند. او تلاش می‌کند جلوی خونریزی‌ها را بگیرد در حالی که ساده‌ترین ابزارها را هم برای برگرداندن تپش به قلب‌ها در اختیار ندارد. بدون فکر کردن به پول یا خستگی همه چیز را پشت سر می‌گذارد تا نشان دهد انسانیت فروختنی و خریدنی نیست. یک داوطلب که در شرایط سخت اقتصادی زندگی می‌کند

هفتک جام‌جم

هیچ پولی نمی‌گیرد، می‌گوید می‌خواهم وظیفه‌ام را انجام دهم، نه پول خواسته‌ام و نه خواهم خواست. کارم صرفاً انسانی است و وقتی از او می‌پرسند چه می‌خواهد، از بین تمام لوازم پزشکی، تنها خواسته او این است که به اشغالگران بگوید نیروهای پزشکی را هدف قرار ندهند. او می‌گوید آنها لباس سفید را بهتر می‌بینند و قرمز می‌کنند!

صندلی گاهی سیاه است، مثل قصه لمیاء، پرستاری که به دیدن شوهر پرستارش می‌رود و موقع خدا حافظی مثل همیشه به او می‌گوید مراقب خودت باش اما لیخند شوهرش با همه لیخنده‌های دیگرش فرق دارد. وسط امدادرسانی به او زنگ می‌زنند و خبر شهادت شوهرش را می‌دهند و زن، درست به اندازه یک احیای قلبی تنفسی کوتاه، بالای سر شوهرش مرثیه می‌خواند تا زنده بماند و به میدان مرگ برمی‌گردد. صندلی پرستاری در این سرزمین، رنگ رویایی است که هوای بازگشت به سرزمین‌شان را در ساردند. پرستاری زیر آن آسمان، قرمز است! زنگ خون دارد. بعضی جاها برای زندگی می‌میرند و رویاهایی در خون می‌غلطند. ولی با هم زیر همان آسمان پرستار با پرستار فرق دارد. یکی می‌شود پرستارهایی که خون می‌دهند یکی هم می‌شود پرستاری که می‌رود و به مقام اسرائیلی واکسن می‌زند.

یک تجربه از قبل

سریال: روزگار قریب

شخصیت: کاویانی

کارگردان: کیانوش عیاری

سریال روزگار قریب روایتگر زندگی دکتر قریب از مقطع کودکی تا مقطع مرگ بود. از آنجا که دکتر قریب در بیمارستان مشغول به کار بود، به همین دلیل عیاری در بخشی از این سریال روایتگر زندگی پرستاران بود که با چه مسائلی رو به رو بودند. مریم کاویانی در این سریال نقش سرپرستاری به نام کاویانی را بازی می‌کرد که بد اخلاق بود و رفتار مناسبی با دیگر پرستاران نداشت و همین منجر به گلابه میان دیگر پرستاران شده بود. نکته جالب این بود مریم کاویانی قبل از آن‌که وارد عرصه بازیگری شود، خودش پرستار بوده و بعد وارد دنیای بازیگری شده‌است. به همین دلیل می‌دانست برای ایفای این نقش چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. البته خودش در یکی از گفت‌وگوهایی که با اهالی رسانه داشت، تاکید کرده‌بود زمانی که پرستار بوده، مهربان بود اما در سریال روزگار قریب نقش یک پرستار بد اخلاق را داشت. در کنار کاویانی در سریال روزگار قریب بازیگرانی همچون فریما ارباب و شهناز شهبازی نقش پرستاران را بازی می‌کردند. عیاری در این سریال به زندگی کاری پرستاران اشاره کرده‌بودند و مخاطبان می‌توانستند آنها را در بیمارستان شاهد باشند که چگونه با بیماران رفتار می‌کردند.



داستان فرشتگان

سریال: فرشتگان بی‌بال

شخصیت: الهام

کارگردان: امیرحسین عنایتی

نزدیک به دو سال است و کادر درمان همچون فرشتگان بر بالین بیماران حاضر هستند و مشغول درمان. این فرشتگان بی‌آن‌که فکر کنند خودشان هم درگیر این بیماری می‌شوند، خالصانه در کنار مردم حضور دارند. همین موضوع باعث شده تا امیرحسین عنایتی این سوژه را دستمایه ساخت یک سریال تلویزیونی کند که مرداد ماه امسال از شبکه پنج پخش شد. این سریال با محوریت جهاد و ایثار کادر درمان و پرستاران و تأثیرات ویروس کرونا بر زندگی مردم و اجتماع تولید شد و در آن به زندگی پزشکان و پرستارانی پرداخت می‌شد. الهام یکی از شخصیت‌های قصه بود که نقش آن را زرتیا غفاری بازی می‌کرد. او شبانه‌روز در بیمارستان تلاش می‌کرد بی‌آن‌که خسته شود. در کنار او پرستاران دیگر هم نشان داده می‌شد که کارگردان سراغ غیر چهره‌ها رفته بود.

